



نقد کتاب: مکتب تفکیک

پدیدآورده (ها) : یا حسینی، سید قاسم
میان رشته ای :: گفتگو :: پاییز 1373 - شماره 5
از 226 تا 230

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/320160>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 04/12/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

مکتب تفکیک

مکتب تفکیک محمدرضا حکیمی، ویژه نامه ' (۱) تاریخ و فرهنگ معاصر، قم، مرکز بررسیهای اسلامی، ۱۳۷۳، ۳۶۵ ص.

گرایشهای مخالف فلسفه در جهان اسلام تقریباً از همان زمانی آغاز شد که مسلمانها نهضت بزرگ ترجمه متون فلسفی را از زبانهای سریانی، پهلوی و یونانی به زبان عربی آغاز کردند. در ابتدا مخالفان عمده تفکر فلسفی و اصولاً فلسفه، محدثان و راویان کلام پیامبر اسلام (ص)، فقها بودند. در کنار این گرایش، جریان ضد فلسفی دیگری نیز به طور مستقل شکل گرفت که همانا عرفان اسلامی بود. طرفه آن که هر دو جریان فلسفی و عرفانی با مخالفت گروه اول روبرو شد و بزرگان هر دو از سوی محدثان و فقها تفسیق و تکفیر و حتی محکوم به اعدام شدند. و به عنوان نمونه می توان به سرنوشت شیخ شهاب الدین سهروردی، فیلسوف معروف اشراقی و محملمین منصور حلاج، عارف ایرانی اشاره داشت.


ولی مخالفت با فلسفه و تعقل فلسفی به مراتب از مخالفت با عرفان پیگیرتر و پیچیده تر بود. برخی از متشرعان ضد فلسفه برای اخراج فلاسفه و تعقل فلسفی از حوزه اندیشه اسلامی، خود به نوعی تعقل فلسفی روی آوردند که در نهایت در علم کلام اسلامی متجلی شد. البته علم کلام نیز در خلال تحولات بعدی خود، علی الخصوص پس از خواجه نصیرالدین طوسی و نوشته کلامی تجریدالمعانی او با فلسفه ادغام شده یا دست کم به آن بسیار نزدیک شد.

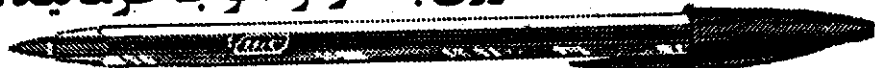
در فاصلهٔ قرنهای دوم تا پنجم هجری مخالفت با تفکر فلسفی کم و بیش ادامه یافت تا سرانجام امام محمد غزالی پا به میان گذاشت و با تالیف رسالهٔ بنیادافکن **تهافت الفلاسفه** ضربهٔ مهمی بر پیکر تفکر فلسفی اهل سنت وارد آورد و فلسفه و علوم فلسفی را برای قرن‌ها از رونق انداخت. حیات فلسفه در جهان اسلام، اما در مکتب شیعه و حوزه علمیه شیعی زنده ماند و نه تنها سترون نشد، بلکه با ظهور مکتب متعالیه صدرالدین شیرازی بارور نیز شد و به اوج تکامل خود در جهان اسلام رسید.

ولی در کنار این جریان، مخالفت با فلسفه نیز در حوزهٔ تفکر شیعی هیچ‌گاه از پا نایستاد و با ظهور مکتب اخباریگری به رهبری ملا محمد استرآبادی و شاگردان او این نهضت ضد فلسفی نیز به اوج رسید. اگر چه مکتب اخباریگری به همت فقها و اصولیونی چون علامه وحید بهبهانی مورد نقد منطقی قرار گرفت و به شدت سرکوب شد اما تفکر اخباریگری به طور اعم و جریان ضد فلسفی و ضد عقلانی به طور اخص هیچگاه در حوزه‌های دینی ایران و بین‌النهرین و هند و قفقاز در دو سدهٔ اخیر غایب نبود و هر گاه امکانی یافت در جامه‌ای نوظهور کرد. یکی از جریان‌های ضد فلسفه‌ای که در چند دههٔ اخیر در ایران و بویژه حوزهٔ دینی مشهد مجال ظهور یافت «مکتب تفکیک» است.

دربارهٔ مکتب تفکیک، اصول و اهداف، رجال و متون اصلی آن اطلاع چندانی در دست نیست، حتی مبانی اساسی و داعیهٔ آن نیز هنوز در برده‌ای از ابهام و کج فهمی نهفته است. ولی اینک با انتشار نوشتهٔ استاد محمدرضا حکیمی این کمبود تا حدود زیادی برطرف شده و کتاب جامعی به پژوهشگران جریان‌های فکری اسلامی معاصر ارائه شده است.

در این بررسی سعی بر آن است تا با توجه به منقاد کتاب، نکاتی چند از ابعاد دینی و فکری این حرکت را معرفی نماییم. و نخست هدف از «مکتب تفکیک» نامیدن آن؛ بر اساس اصول اولیه و اصلی مکتب تفکیک علوم مسلمین در طول تاریخ بر سه رکن شناخت عقلی، عرفانی و وحیانی استوار بوده است. مسلمانان برای دستیابی به حقیقت همواره از سه منبع فلسفه (عقل)، کشف و شهود (عرفان) و هدایت وحیانی (دین) سود برده‌اند. این سه نوع تفکر در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام گاه چنان به هم آمیخته‌اند که تمیزشان از یکدیگر محال بوده و گاه در ستیزی مدام رو در روی یکدیگر بوده‌اند. مکتب تفکیک «مکتب جداسازی» سه راه و روش مذکور در تاریخ شناختها و تأملات و تفکرات انسانی است (ص ۴۲). هدف نهایی این مکتب «بازسازی و خالص‌مانی شناختهای قرآنی و

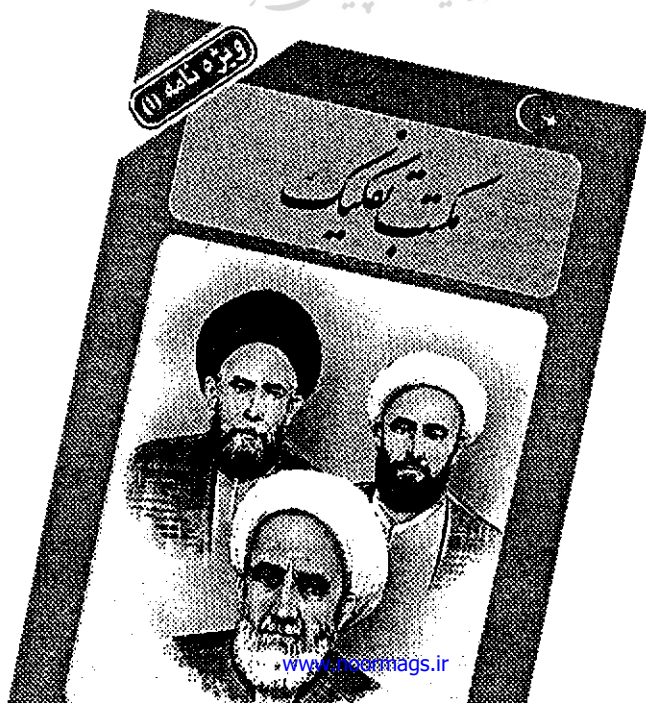
به علامت  روی بدنه و نوک توجه فرمائید.



سره فهمی این شناختها و معارف است، بدور از تأویل و مزج با افکار و نحله‌ها، و برکنار از تفسیر به رأی و تطبیق، تا «حقایق وحی» و اصول «علم صحیح» مصون ماند و با داده‌های فکر انسانی و ذوق بشری در نیامیزد و مشوب نگردد. (ص ۴۴)

یکی از مبانی مهم طرز تفکر تفکیک‌گرایان، اعتقاد تام به نقصان عقل بشری و نیاز به هدایت خداوندی است. در نحله‌های فلسفی جهان اسلام کوشش برآن بوده تا از دین، و وحی و علوم دینی تفسیری عقلانی و خردپسند ارائه شود. حال آن که داعیه اصلی مکتب تفکیک و حیانی کردن عقل بشری و ارائه تفسیری دینی از پدیده‌های عالم است. در این مکتب ملاک حقیقت وحی الهی و کلام معصوم است. همه چیز باید با آن سنجیده شود؛ اگر منطبق بود قابل قبول است و اگر نه مردود: «این اعتقاد که حقایق دین راستین و معرفت صحیح همان است که در قرآن کریم آمده است و به وسیله پیامبر اکرم (ص) و سپس اوصیای او - که حاملان علم اویند - تعلیم داده شده است، حقایق و تعالیمی است عین واقع و بالاتر و برتر از هر چه دیگران گفته‌اند - حتی ادیان الهی دیگر - و هیچ گونه نیازی به هیچ اندیشه و تفکری ندارد، و خودبسنده است و غنی و پاسخگو به همه نیازهای شناختی انسان». (ص ۱۵۶)

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان امهات اصول مکتب تفکیک را به شرح زیر خلاصه کرد:
 ۱- در طول تاریخ تمدن اسلامی سه روش برای فهم حقایق عالم وجود داشته است: عقل، عرفان و دین.



- ۲- از این سه روش تنها شناخت دینی اصالت دارد.
- ۳- شناخت دین بر قرآن، سخنان پیامبر (ص)، فاطمه زهرا و ائمه شیعه (ع) مبتنی بوده است.
- ۴- در شناخت دین باید ظاهر آیات قرآن و کلام معصوم را ملاک قرار داد.
- ۵- هر گونه تاویل یا توجیه آیات قرآن و احادیث معصومین باطل و مردود است.
- ۶- در شناخت دین باید از دیگر روش های موجود شناخت (عقلی و عرفانی) پرهیز کرد. دین را باید با دین شناخت و آن را با فلسفه و عرفان بشری نیامیخت.
- ۷- دین خودکفا است و محتاج علوم بشری نیست.
- ۸- در تفسیر دین نباید شناخت های عقلانی و عرفانی را دخالت داد و باید بین دین از یک سو و عقل و عرفان از سوی دیگر تفکیک قائل شد.
- ۹- عقل بشری تنها در صورتی کارساز است که به نور وحی روشن شود.
- ۱۰- اگر بین عقل بشری و مبانی دین اختلاف باشد، ملاک درستی دین است و باید عقل را خطاپذیر دانست.
- ۱۱- مسلمانان از آن رو دچار انحطاط فکری و فرهنگی شده اند که به جای رجوع به وحی، کوشیده اند با علوم یونانی و غیردینی، دین را فهم و تفسیر کنند.
- ۱۲- راه رسیدن به سعادت و احیاء فکر دینی، پرهیز از آمیختن فلسفه، عرفان و علوم بشری با دین و خالص سازی فهم دینی از هر گونه گرایش بشری است.

از نظر سیر تاریخی تکوین مکتب تفکیک این نکته را باید متذکر شد که تکوین و تکامل این مکتب و حملات آن به مسئله تأویل، سیر طبیعی و منطقی و واکنشی است در قبال افراط گرایان تأویل گرا در مکاتب عرفانی و فلسفی جهان اسلام. یعنی موضع تفکیک گرایان در مقابل مسئله تأویل، بازتاب منفی عملکرد اندیشه گران تأویل گرایی است چون ملا عبدالرزاق کاشانی صاحب کتاب تأویلات القرآن، محی الدین عربی مولف خصوص الحکم و فتوحات مکیه و بریژه صدرالدین محمد شیرازی معروف به ملاصدرا. سخت گیری تفکیک گرایان در مقابل این تأویلها هنگامی ملموس است که محقق بی طرف، به متون تأویلی ابن عربی و ملاصدرا نیز نیم نگاهي داشته باشد.

به علامت  روی بدنه و نوک توجه فرمائید.



آشنا

هنگام گفتگو خود کار بیک الزامی است.

اگر چه مکتب تفکیک در قرن ها فلسفه ستیزی جهان اسلام ریشه داشته و اساساً حرف و راه تازه ای نیست، اما صورت امروزی آن تقریباً از اواخر انقلاب مشروطه و اوایل پهلوی، در حوزه علمیه مشهد شکل گرفته و رشد کرده است. این مشرب فکری در طول تاریخ هفتاد ساله اش چهره های مشهوری در حوزه های علمیه مشهد داشته که تنی چند از این بزرگان عبارتند از سید موسی زرآبادی قزوینی (۱۳۵۳-۱۲۹۴ ق.ه)، میرزا محمد غروی اصفهانی (۶۵-۱۳۰۳ ق.ه)، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (۸۶-۱۳۱۸ ق.ه). در میان متفکران برجسته معاصر، استاد محمد تقی شریعتی که خود از شاگردان تفکیک گرای معروف میرزا مهدی اصفهانی بود و فرزندش دکتر علی شریعتی نیز گرایشهایی به این مکتب داشتند. حملات دکتر علی شریعتی به فلسفه یونانی و تاکید وی بر شناخت غیر عرفانی و غیر فلسفی دین، نیز یادآور آموزه های این مکتب هستند. در حال حاضر نیز استاد محمدرضا حکیمی از برجسته ترین نظریه پردازهای مکتب تفکیک به شمار می رود که در راه شناسایی و تبلیغ این مشرب تلاش فراوانی مبذول می دارند.

مکتب تفکیک در حوزه های علوم دینی و پاسداران سنت فلسفه اسلامی و همچنین در محافل روشنفکران مذهبی با مخالفان قدرتمندی روبرو است. مخالفانی که به سادگی حاضر به پذیرش اصول این مکتب نمی باشند و آن را نوعی اخباریگری جدید در جهان تشیع و ویران کننده علوم عقلی و دانش تلقی می کنند. یکی از مخالفین عمده این مکتب در حوزه علمیه مشهد استاد سید جلال الدین آشتیانی است که با همکاری دانشمندانی چون هانزی کرین در معرفی و شناسایی متن فلسفی دیرین، بویژه ملاصدرا، تلاش فراوان داشته است. وی علت بی مهری حوزه علمیه خراسان را به علوم عقلی و فلسفی، ناشی از نفوذ مکتب تفکیک می داند. استاد آشتیانی در مصاحبه ای که اخیراً با جریده همشهری داشته اند به شدت به این مکتب تاخته و روش آن را در شناخت اصول اسلامی غیر عملی دانست.

روشنفکران مذهبی نیز بر این باورند که در مکتب تفکیک از علوم صحیح، قلمرو تأویل و معیارهای عقل و وحیانی تحلیل درست و روشنی ارائه نشده، و مفاهیمی نیز که تحت این عنوان ارائه شده است، بیش از آن که راهگشا و چاره ساز باشد بازدارنده و گمراه کننده می باشند. به عقیده آنها فهم دین عصری است و بنا بر رشد و تکامل جامعه بشری این فهم و استنباط نیز رشد کرده و دچار قبض و بسط می شود. با ذهن خالی سراغ دین و متون دینی رفتن، یعنی نادیده انگاشتن عقل و دستاورد علوم بشری و لهذا دست خالی از محضر دین بازگشتن. رویارویی میان مخالفان و موافقان مکتب تفکیک در اشکال دیگری نیز در حوزه تفکر دینی ایران معاصر ادامه دارد که نقد و بررسی آن محتاج فرصتی دیگر است.

تفکر و پژوهش